

# اخوان المسلمین

## از گذشته تا امروز

جی.ای. نقوی

(کارشناسی ارشد رشته فلسفه)

### مقدمه

در چند قرن اخیر نهضت‌های متعددی در مناطق مختلفی از جهان اسلام، مانند ایران، مصر، هند، افغانستان، الجزایر، لیبی، سودان، فلسطین، یمن و لبنان رخ داده است. نهضت «شیخ محمد خیابانی» و «جنگل» در ایران، نهضت «شاهولی» در هند، «مهدی سودانی» در آفریقا و... از جمله این نهضت‌ها می‌باشد که جهان اسلام هنوز هم تحت تأثیر ایدئولوژی آن‌ها است. این نهضت‌ها که نوعی تجدید حیات‌طلبی و بیداری و واکنش به سلطه فرهنگی و سیاسی غرب و تلاش برای رهایی از آن می‌باشد، به احیای اصول و ارزش‌های اجتماعی و سیاسی اسلام توجه کرده‌اند. آن هم در وضعیتی که کشورهای اسلامی دچار انحطاط داخلی و مستقیماً در معرض هجوم نظامی دولت‌های اروپایی بودند.<sup>۱</sup>

نهضت اخوان المسلمین نیز زاینده اوضاع سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر مصر و رهاورد رواج تفکر جدایی‌دین از سیاست (سکولاریسم) در میان روشنفکران و ملی‌گرایان مصری است که برای اصلاح مصر در دوران خفقان بعد از انقلاب ۱۹۱۹،

علیه انگلیس شوریدند. این نهضت تحت تأثیر اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی و در پاسخ به انحطاط داخلی مسلمانان و سلطه بیگانگان بر کشورهای اسلامی، به ویژه مصر پدید آمد.

شکی نیست که نهضت اخوان المسلمین از مهم‌ترین حرکت‌های اسلامی تاریخ معاصر است و طی ۸۲ سال گذشته تأثیرات شگرفی بر حوادث منطقه خاورمیانه و جهان اسلام و عرب داشته است.

### چرایی آشنایی با جمعیت اخوان المسلمین

ممکن است این پرسش پیش آید که شناخت این نهضت چه ضرورت و سودی برای ما دارد؟ پاسخ‌های گوناگونی می‌توان به این پرسش داد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

اخوان المسلمین بخشی از تاریخ است و در تاریخ معاصر مصر و جهان اسلام از موریتانی در سواحل شرقی اقیانوس اطلس، از آفریقا تا اندونزی، در جنوب غرب اقیانوس آرام در آسیا تأثیر بسزایی بر جای گذاشته است که نمی‌توان به آسانی از کنار آن گذشت.<sup>۲</sup>

بدون تردید «اخوان المسلمین» از مهم‌ترین نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی-سیاسی در تاریخ معاصر جهان است. این جمعیت از آغاز تأسیس همواره در راه نشر اندیشه اسلامی و در راستای تأسیس یک حکومت و جامعه و نظام اسلامی فراگیر، کوشا و در تحولات سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی جهان عرب و اسلام تأثیرگذار بوده است. از سوی دیگر اخوان المسلمین در بیش‌تر مسائل جهان اسلام گام‌های درستی برداشته است. یادمان نمی‌رود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نخستین گروهی که بلافاصله برای عرض تبریک به ایران آمد و خدمت امام بزرگوار رسید، رهبری اخوان از مصر، سودان، لبنان، سوریه و اردن بود. پشتیبانی اخوان از حزب‌الله آن هم در شرایطی که رهبران مزدور و وابسته، حتی دعا کردن برای پیروزی مقاومت اسلامی لبنان و حزب‌الله را تحریم کرده بودند، بهترین گواه بر حسن نیت آن‌ها است.

این جمعیت، ریشه در تاریخ اسلام دارد و از این رو به طور عام با جنبش‌های گذشته، مانند «مهدی‌ها»، «وهابی‌ها» و «سنوسی‌ها» شباهت دارد و در عین حال، متأثر از مکتب ابن تیمیّه و اهل حدیث است.



با توجه به نکاتی که ذکر شد، بررسی سرگذشت این جمعیت و دلایل پیدایش، توسعه، پیشرفت، انحلال و احیای دوباره آن ضروری به نظر می‌رسد.

### اوضاع مصر پیش از تأسیس اخوان المسلمین

از آن‌جا که دعوت اخوان المسلمین در برهه‌ای از تاریخ معاصر مصر صورت پذیرفته است، آشنایی مختصر با این مقطع زمانی لازم به نظر می‌رسد.

۱- بعد از جنگ جهانی اول، تمامیت ارضی سرزمین‌های اسلامی نقض شده بود و متفقین با پیروزی خود، پیکره امپراتوری عثمانی را پاره پاره کرده و کمال اتاتورک نیز پس از سرنگونی خلافت عثمانی، یک دولت لائیک تشکیل داده بود. انگلیسی‌ها معاهده سری سایکس-پیکو را که در ۱۹۱۵، در مسکو منعقد شده بود، به اجرا درآوردند و مصر جزء قلمرو امپراتوری بریتانیا شد. در آن زمان استعمارگران ملی‌گرایی را تشویق می‌کردند و سرانجام به «ملیت» منهای «اسلامیت» روی آوردند، تا این‌که شعار «میهن برای همه و دین برای خدا؛ الوطن للجميع و الدین لله» در همه جا رواج یافت. میهن، جوهر آرمان‌گرایی شده و بر اسلام سایه افکنده بود. اگر چه هرگز نتوانست جایگزین آن شود.

۲- ملتی که در آن زمان کاملاً «خودباخته» بود، در قیام ۱۹۱۹ خویشتن را یافت. گویا با نمایش اراده خویش می‌خواست انسانیت بایسته‌اش را حس کند. در این قیام با این‌که ملت گرسنه بود، اما نه خواستار نان شد، نه لغو مالکیت زمین‌های زراعتی، نه لغو القاب بیگ و نه نابودی طبقه اعیان و اشراف؛ بلکه قیام این ملت، نمایان‌گر احساس واقعی مخالفت علیه استعمار بود. ملت در استقلال خواهی مخلص بود، هر چند به دوران پس از انقلاب فکر نکرده بود.

۳- استعمارگر نیرومند، هوشمند، خبیث و بسیار حيله‌گر از دو راه در کشور ریشه دوانده بود:

**پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نخستین گروهی که بلافاصله برای عرض تبریک به ایران آمد و خدمت امام رضی الله عنه رسید، رهبری اخوان از مصر، سودان، لبنان، سوریه و اردن بود. پشتیبانی اخوان از حزب‌الله آن‌هم در شرایطی که رهبران مزدور و وابسته، حتی دعا کردن برای پیروزی مقاومت اسلامی لبنان و حزب‌الله را تحریم کرده بودند، بهترین گواه بر حسن نیت آن‌ها است.**

الف. استعمار فکری:

آن‌ها از ابتدا برای حذف شریعت اسلامی و محصور کردن آن در مسائل شخصی تلاش کردند و زمانی که بین «علم» و «دین» جدایی قائل شدند، میان آرمان‌گرایی اسلامی و مکتب مادی‌گری شکاف عمیقی ایجاد شد.

ب. استعمار مادی:

استعمارگران زیرکانه اقتصاد کشور را به

سمت تولید مواد خام هدایت و روی این نکته خیلی تاکید می‌کردند که مصر یک کشور کشاورزی است و توان صنعتی شدن را ندارد. طبق ارزش‌های اجتماعی آن دوران، افراد براساس شغل دولتی سنجیده می‌شدند. بنابراین روشن می‌شود که سیاست استعماری چگونگی توانست با شریعت اسلام به عنوان فلسفه زندگی نظام رفتاری و قانون تعیین‌کننده برای مرزهای مساوات و آزادی، حقوق هم‌یاری و آموزش و کار مبارزه کند.

۴- طبقه حاکم: این طبقه که بیش‌تر آنان آلبانیایی یا ترک بودند، با رضایت استعمارگران از سوی شاه برگزیده می‌شدند. این طبقه در مدارس اروپاییان تربیت می‌شوند و از اسلام چیزی جز نام و بخشی از شعائر آن را نمی‌دانستند. این وضع حتی پس از قیام ۱۹۱۹ و برقراری قانون اساسی ۱۹۲۳ استمرار یافت. به رغم وجود احزاب متعدد، اکثر ملت به یک حزب به نام «وفد» تعلق داشتند.

حزب وفد هرگز اسلام را به عنوان یک نظام زندگی نمی‌پذیرفت. اساساً در برنامه این حزب جایی برای قوانین اسلامی وجود نداشت. حزب وفد اسلام را قانونی الهی و یا آرمان والا برقرارکننده مبانی رفتارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ارزشی بین مردم نمی‌دانست.

نتیجه چنین وضعیتی چیزی جز فقر، جهالت، ظلم، استبداد، ذلت، خواری و استثمار نبود.<sup>۲</sup>

### بنیان‌گذار اخوان المسلمین

به نظر می‌رسد برای درک واقعیت و ماهیت اخوان المسلمین، شناخت شخصیت بنیان‌گذار آن، ضروری است: زیرا در تمام مراحل سیر و حرکت نهضت، نفوذ و تأثیر بسزایی داشته است.

حسن‌بن‌احمدبن عبدالرحمن البنا، پایه‌گذار و رهبر جمعیت اخوان المسلمین، در سال ۱۹۰۶ میلادی، در شهرستان محمودیه، نزدیک اسکندریه مصر، چشم به جهان گشود. پدرش «احمدبن عبدالرحمن» از عالمان پرهیزکار و از شی‌اگردان «شیخ محمدعبد» بود. البنا در محیطی کاملاً اسلامی رشد نمود. وی صادقانه می‌گوید:

«اسلام پدر من است و من جز او پدری ندارم.»<sup>۳</sup> او از هشت سالگی تا دوازده سالگی در مدرسه رشاد درس خواند و هنوز ۱۴ سال نداشت که در سال ۱۹۲۰م به مدرسه معلمین جوان «دمنه‌پور» منتقل شد. پس از گرفتن گواهی‌نامه معلمی، برای ادامه تحصیل وارد دارالعلوم شد و پس از هفت سال، در ۱۹۲۷م، فارغ‌التحصیل گردید و به عنوان یک مبلغ، نقش معلمی حقیقی را به عهده گرفت.

وی از کودکی به انجمن‌های مذهبی پیوست و در آن‌ها پیشرفت زیادی نمود. «انجمن رفتار اخلاقی» اولین انجمنی بود که عضو آن و پس از مدت کوتاهی، رهبر آن گردید. هم‌چنین مشاهده جلسه ذکر صوفیانه برادران «حصافیه» تأثیر عمیقی بر وی گذارد که او را تا پایان زندگی مجذوب حلقه این صوفیان نمود. او هنوز چهارده سال بیش نداشت که به عضویت دائم حلقه صوفیان «حصافیه» قاهره درآمد و حتی مدتی لباس مخصوص آن‌ها را پوشید. در سال دوم به گروه دیگری به نام «انجمن اسلامی تعالی روح» پیوست، ولی از نظر ایشان، هر دو انجمن، از درک علل جدایی مسلمین از دین و تعالیم آن عاجز بودند.<sup>۴</sup>

ریشه تفکرات اصلاحی البنا را می‌توان در تعالیم طریقه «حصافیه» دنبال کرد. وی پس از انتقال به قاهره، به «جمعیت مکارم اخلاق اسلامی» پیوست. برای وی بازسازی مرجعیت و رهبری امت اسلام که منجر به وحدت و استمرار حرکت اسلامی می‌شد، بیش از هر چیز اهمیت داشت. او معتقد بود که باید همه احزاب مصری منحل و همه نیروهای ملت در یک جا





جمع شوند تا زمینه برای تحقق استقلال و آزادی ملت و شکل گیری بنیادهای اصلاحات دینی فراهم گردد. بناً از دو تن از اساتید خود خیلی تأثیر پذیرفته بود. یکی «شیخ زهران» از پیروان «شیخ عبدالوهاب حصابی» در «دمنهور» و دیگری «شیخ محمد ابوشوشه» که به گفته بنا، حق تربیت معنوی بر گردن وی دارد. برخی از آثار و تألیفات بنا عبارتند از: «اخوان المسلمین تحت رایة القرآن»، «الی ای شییء ندعو الناس»، «بین الامس و الیوم»، «دعوتنا» و ... سرانجام وی در ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۶۸ق، برابر با ۱۲ فوریه ۱۹۴۹م، در یکی از خیابانهای قاهره به دست عوامل انگلیس شهید شد.

### علل و زمینه‌های پیدایش اخوان المسلمین

در دسامبر سال ۱۹۲۷م، اولین سازمان جوانان مسلمان «جمعیة الشبان المسلمین» در قاهره پایه گذاری شد. این سازمان کاملاً برگرفته از «انجمن جوانان مسیحی» بود. افزون بر تشابه اسمی، در بعضی اصول اساسی، مانند عدم دخالت در امور سیاسی و توجه بیش تر به کارهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مشترک بودند.

جمعیت اخوان المسلمین پس از گذشت تقریباً یک سال از تأسیس «سازمان جوانان مسلمان»، در اسماعیلیه مصر بنیاد نهاده شد. پرسش این است که با وجود انجمن الشبان المسلمین در مصر، چه نیازی به تأسیس اخوان المسلمین بود؟ آیا انجمن پیشین در

اهداف خود شکست خورده بود یا این که اخوان المسلمین می خواست جای او را بگیرد؟ و یا ... به نظر می رسد دآوری درباره شکست و پیروزی یک حزب، آن هم در ظرف یک سال، قضاوتی عجولانه و سطحی است. بنابراین نمی توان شکست آن انجمن یا جایگزینی اخوان را دلیل پیدایش آن دانست. لذا پیدایش این نهضت هیچ ربطی به سازمان جوانان مسلمان ندارد.

### پس دلایل و انگیزه‌های پیدایش این نهضت چیست؟

افزون بر وضعیت اجتماعی - سیاسی آن دوران که به طور خلاصه بیان شد، می توان گفت که مهم ترین عوامل پیدایش اخوان المسلمین عبارتند از:

#### ضعف دینی

حسن البنا در رساله «نحو النور» که به سران کشورهای عربی نوشته بود، شهوت رانی، هرزگی، فساد اخلاقی، روی گرداندن از فضایل معنوی، کشمکش های مغرضانه سیاسی، غرب زدگی و ناتوانی رهبری سیاسی را از عوامل بدبختی مردم مصر بر شمرده است. وی ترویج اندیشه سکولار را نیز تلاش فرهنگی مطبوعات مصر مبنی بر ضرورت بازگشت به عصر فرعون برای نیل به توسعه و پیشرفت و باعث کنار گذاشته شدن دین از زندگی مردم می داند.

#### سلطه بیگانگان

یکی از عواملی دیگر که در شکل گیری اخوان المسلمین مؤثر بود، سلطه شصت ساله انگلیسی ها بر مصر بود. انقلاب ۱۹۱۹ مصری ها نتوانست آن ها را از مصر خارج کند و در نتیجه سلطه استعمارگر پیر بر مصر ادامه یافت.

#### ناتوانی احزاب در ارائه راه نجات

از دیگر عوامل تأسیس اخوان، ناتوانی احزاب مختلف

مصر در ارائه راه نجات از سلطه غرب است. علت این ناتوانی این بود که این احزاب بر اساس خواسته های اشغال گران انگلیسی پدید آمده بودند، نه بر مبنای خواسته های مردم مصر. بنابراین در ارائه برنامه ها و هدف ها متأثر از آرا و اندیشه های غربی بودند. چنین وضعیتی منجر به رواج فساد، ناامنی و توسعه نیافتگی و ... در جامعه مصر گردید.

افزون بر این، عواملی چون لغو خلافت، برانگیخته شدن احساسات ملی مصریان بر ضد استعمار بریتانیا، تمایل عموم مردم مصر به اصلاح اوضاع داخلی کشور، فساد حکومت، مداخلت توهین آمیز مأموران انگلیسی در امور مصر، فقر عمومی و ... بستر پیدایش نهضت اخوان المسلمین را فراهم کرد که بنا داشت با مینا قرار دادن اسلام، در جهت بهبود وضع آشفته مصر بکوشد.

#### سیر شکل گیری و گسترش اخوان المسلمین

حسن البنا در خاطراتش می نویسد: «در ماه ذی

القعدة ۱۳۴۷ هجری

قمری مطابق با سال

۱۹۲۸م شش تن از

برادران به دیدار من آمدند

که عبارت بودند از حافظ

عبدالحمید، احمد المصری،

فؤاد ابراهیم، عبدالرحمن

حسب الله، اسماعیل عزو

زکی المغربی. این برادران

که تحت تأثیر درس ها و

سخنرانی های من قرار

گرفته بودند، گفتند: «ما

آن چه که می یابستی

بشنویم، شنیدیم و

تحت تأثیر واقع شدیم، ولی

راه عملی برای احیای عزت اسلام و صلاح مسلمین

را نمی دانیم. ما از زندگی مذلت بار و قید و بندهای

تحمیلی به ستوه آمدیم و تو می بینی که چگونه اعراب

و مسلمانان در این کشور هیچ گونه منزلت و حیثیتی

ندارند و وابسته به این بیگانگان هستند. ما چیزی به

جز خون جوشان که در رگ های ما جاری است و روح

سرشار از ایمان و پول های اندکی که قوت فرزندان مان

در این قیام، با این که ملت گرسنه بود، اما نه خواستار نان شد، نه لغو مالکیت زمین های زراعتی، نه لغو القاب بیگ و نه نابودی طبقه اعیان و اشراف؛ بلکه قیام این ملت، نمایان گر احساس واقعی مخالفت علیه استعمار بود. ملت در استقلال خواهی مخلص بود، هر چند به دوران پس از انقلاب فکر نکرده بود.

است، نداریم که تقدیم کنیم، ولی راه عمل را آن طور که تو می دانی، نمی دانیم و طریقه خدمت به میهن و دین و امت را مانند تو نیاموخته ایم و ما اکنون می خواهیم آن چه را که داریم، تقدیم تو کنیم تا دین خود را در برابر خدا ادا کرده باشیم و تو در برابر خدا مسؤول ما باشی و مسؤولیت عمل را در عهده بگیری، چنین گروهی که مخلصانه و برای رضایت خدا و دین خدا حاضر باشد جان خود را فدا کند، مسلماً شایسته پیروزی است گرچه عده آن ها کم باشد.»<sup>۷</sup>

بنا نتوانست از زیر بار مسؤولیتی که بر عهده اش گذاشته شد، شانه خالی کند، لذا پیشنهاد آن ها را قبول کرد. در آن جا کسی پرسید: چه نامی برای خود انتخاب کنیم؟ انجمن، فرقه، اتحادیه یا ... البنا گفت: هیچ یک! ما برادرانی هستیم در خدمت اسلام، بنابراین نام خود را «اخوان المسلمین» می گذاریم. بدین ترتیب در همان مجلس، هسته نخستین اخوان المسلمین با این شش نفر به وجود آمد.<sup>۸</sup>

هدف اخوان از همان ابتدا گسترش پیام خود و جلب افراد در اسماعیلیه و اطراف آن بود. آن ها برای رسیدن به این اهداف، از مساجد و به خصوص قهوه خانه ها، باشگاه ها و سایر محل های تجمع افراد سود جستند. آن ها به طور رسمی، کار خود را در اتاقی کوچک که مدرسه التهذیب نامیده می شد، با تعلیم قرآن، تجوید، حدیث، تفسیر و دیگر علوم اسلامی شروع کردند. بنا در سال ۱۹۳۱م، اهداف این نهضت را به صورت رساله منتشر کرد.<sup>۹</sup>

### تشکیلات سازمانی اخوان

در رأس سازمان اخوان، «مرشد عام» قرار دارد که از طریق «مکتب ارشاد» رهبری سیاسی و نظری خود را بر اخوان اعمال می کند و اعضای مکتب ارشاد توسط او از میان اعضای شورای مؤسس انتخاب می شوند. پس از مکتب ارشاد، «مرکز عام» قرار دارد که از اعضای هیأت مؤسس و مکتب ارشاد تشکیل می شود. مرشد عام مادام العمر در این سمت باقی می ماند و فقط هیأت مؤسس حق عزل او را دارند.<sup>۱۰</sup>

### انتقال به قاهره

پس از تابستان ۱۹۳۲م به تدریج با افزایش اعضا و گسترش دامنه فعالیت ها، حسن البنا، پایگاه

اخوان المسلمین را به قاهره منتقل کرد. در این وضعیت لازم بود جانشین خود را در اسماعیلیه تعیین کند. هنگام تعیین جانشین، نخستین اختلاف و مشاجره در این نهضت پدید آمد. در نهایت معترضین نهضت را به انجام «اعمال سری» و مخالفت با «آزادی بیان» متهم کردند و استعفا دادند.<sup>۱۱</sup>

### گسترش نهضت

پایگاه اخوان المسلمین به قاهره منتقل شد و پس از تأسیس «دارالخوان» در آوریل ۱۹۲۹م، رسماً اخوان المسلمین اعلام موجودیت کرد. بنا برای تحقق اهداف خویش فعالیت خود را در سه مرحله تقسیم کرد:

- الف. تبلیغ، ارتباط، تفهیم و تفاهم
- ب. جذب، انتخاب و سازماندهی حامیان
- ج. عمل

این دسته بندی همه فعالیت های اخوان المسلمین را شامل می شود. ایشان در مرکزی به نام «التهذیب» به سازماندهی تمام وقت تشکیلات پرداخت و دامنه فعالیت اخوان را گسترش داد. وی در این راستا برای تربیت و آموزش زنان مصری نیز مرکزی به نام «المهدالامهات المسلمین» تأسیس نمود. ساختار هرمی نهضت که به جای این که از رأس به قاعده باشد، از قاعده به رأس بود، تشکیل جناح نظامی، سعی و تلاش برای انتشار نهضت در سراسر جهان اسلام و عرب، شیوه های اصلاحی در فعالیت سیاسی نهضت و تشکیل کنگره ها از جمله راه هایی بود که این نهضت برای پیشبرد و گسترش فعالیت اسلامی خود از آن ها بهره برد.

### تشکیل کنگره ها

یکی از علل رشد اخوان المسلمین بعد از انتقال از اسماعیلیه به قاهره، دامنه و وسعت تشکیلات (کنگره های عمومی) برای بحث و گفت و گو پیرامون اقدامات عملی و برنامه های سازمان بود. در واقع این کنگره ها نمای کلی فعالیت های اخوان را بین سال های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۹ ترسیم می کند.

کنگره اول: در مه ۱۹۳۳ با موضوع فعالیت های میسیونرهای مسیحی و طرق مبارزه با آن.  
کنگره دوم: در اواخر ۱۹۳۳ درباره نحوه تبلیغ و

برای البنا بازسازی مرجعیت و رهبری امت اسلام که منجر به وحدت و استمرار حرکت اسلامی می شد، بیش از هر چیز اهمیت داشت. او معتقد بود که باید همه احزاب مصری منحل و همه نیروهای ملت در یک جا جمع شوند تا زمینه برای تحقق استقلال و آزادی ملت و شکل گیری بنیادهای اصلاحات دینی فراهم گردد.

اشاعه افکار در جامعه و تشکیل مؤسسه انتشاراتی. کنگره سوم: در مارس ۱۹۳۵ در رابطه با ضوابط و معیارهای عضویت و مراتب و ساختمان تشکیلاتی جامعه اخوان.

کنگره چهارم: در ۱۹۳۶ به مناسبت آغاز سلطنت ملک فاروق، با تأیید پادشاهی وی.

کنگره پنجم: در سال ۱۹۳۸ به مناسبت دهمین سال تأسیس اخوان المسلمین. اهداف و برنامه های بنا در این کنگره و نیز تصمیمات اتخاذ شده در آن، این نهضت را وارد دوره نوینی کرد. به ویژه از این جهت که مقارن با، جنگ جهانی دوم بود و این نهضت نسبت به اوضاع سیاسی و وقایع نظامی بی اعتنا ماند. هدف کلی اخوان پس از کنگره پنجم را می توان در آزادی وطن اسلامی از سلطه بیگانه و تشکیل دولت آزاد اسلامی خلاصه کرد. سه عامل در این موضع سیاسی اخوان مؤثر بود:

الف. حاد شدن مسأله فلسطین

ب. قرار داد ۱۹۳۶ میان انگلیس و دولت مصر که اخوان با آن مخالفت کرد.

ج. شروع جنگ جهانی دوم که آثار سیاسی و اجتماعی خاصی در مصر بر جای نهاد.

با توجه به این، می توان سال های ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۸ را دوره تأسیس و استقرار اخوان المسلمین به شمار آورد.

کنگره ششم: در ۱۹۴۱ در قاهره و تصمیم برای شرکت در انتخابات مجلس مصر.<sup>۱۲</sup>

پس از جنگ و حادثه شدن مسأله فلسطین و چیرگی صهیونیست‌ها بر آن سرزمین، اخوان از نظر سیاسی، مالی و نظامی به یاری فلسطینیان شتافت و بسیاری از اعضای آن در نبرد فلسطین شرکت کردند. حضور اخوان در این ماجرا از یک سو بر محبوبیت آن در جهان اسلام افزود و از سوی دیگر دربار مصر و دولت بریتانیا را به شدت نگران کرد.<sup>۱۳</sup>

### انتحلال اخوان المسلمین

نهضت اخوان المسلمین تا امروز چند بار از سوی دولت‌های مختلف منحل شده است که به تاریخ و جزئیات آن اشاره می‌کنیم.

### انتحلال اول

فعالیت‌های اخوان در رابطه با قضیه فلسطین و کمک نظامی به فلسطینیان و هم‌چنین اقدامات آن‌ها قبل و بعد از جنگ جهانی دوم در مصر و دیگر کشورهای اسلامی، مخالفت‌های شدید انگلیس را علیه اخوان برانگیخت. از این رو دولت، در فرمان نظامی ۶۳ خود، این نهضت را در دسامبر ۱۹۴۸ منحل کرد: «اخوان المسلمین و شعب آن‌ها، در هر کجا، منحل گشته و تمامی دفاتر و شعب اخوان المسلمین تعطیل شوند. مدارک، مجلات، نشریات، اموال و دارایی‌های آن‌ها مصادره شود.»<sup>۱۴</sup> اطلاعاتی‌های بعدی حکومت دایر بر لاک و مهر شدن کارخانه‌های آنان بود:

«بدین وسیله اعلام می‌گردد که سهام و دارایی‌های آن‌ها به صندوق رفاه عمومی واریز شد و تحت نظر وزیر کار و امور اجتماعی به مصرف خواهد رسید.»<sup>۱۴</sup> حکومت هم‌چنین تعداد زیادی از اعضای اخوان را دست‌گیر کرد.

### انتحلال دوم

اندکی پس از انحلال اول، در ۲۸ دسامبر ۱۹۴۸، نقراشی، نخست‌وزیر، به دست یکی از اعضای اخوان المسلمین کشته شد و چندی بعد نیز در برابر رهبر اخوان، حسن البنا، به قتل رسید. بعد از مدتی فعالیت

سیاسی احزاب در مصر آزاد شد و به دنبال آن، فعالیت اخوان نیز علنی گشت. در ذیقعد ۱۳۷۱ هـ.ق، افسران آزاد با کودتایی رژیم را ساقط کردند و حکومت را به دست گرفتند. رژیم جدید همه احزاب را غیر قانونی خواند، اما به اخوان اجازه داده شد که به فعالیت خود ادامه دهد. این تفاهم هم طولی نکشید که به خصومت گرایید و پس از سوء قصد به جمال عبدالناصر (که

ظاهرا به وسیله یکی از اعضای اخوان صورت گرفت) در اکتبر ۱۹۵۴، دیگر تشکیلات اخوان غیرقانونی و منحل اعلام شد و عده‌ای از رهبران طراز اول از جمله هضیبی که مرشد عام بود و شمار بسیاری از اعضای آن بازداشت شدند.<sup>۱۵</sup>

این واقعه فعالیت‌های اخوان را دچار وقفه کرد، اما اخوان توانست در خارج از کشور تبلیغات وسیعی علیه جمال عبدالناصر، رئیس جمهور

مصر، به راه اندازد. آن‌ها ادعا کردند که اخوان را بدین سبب منحل کردند که می‌خواهد قضیه فلسطین به نفع اسرائیل حل شود و مصر همیشه تابع انگلیس و آمریکا باشد. در این زمان «سیدقطب»، کتاب مهم «معالم فی الطریق» را در ۱۹۶۲ در زندان نوشت. بسیاری از اعضای اخوان با الهام از اندیشه سیدقطب، دست به قیام مسلحانه زدند و حتی هضیبی که یک محافظه کار بود با این روش موافقت کرد و همین باعث ایجاد انشعاب در اخوان المسلمین شد. دولت ۱۹۶۵ بازداشت وسیع اعضای اخوان را دوباره آغاز کرد. بسیاری از اعضا به زندان افتادند و سیدقطب نیز که به تازگی از زندان بیرون آمده بود، دوباره بازداشت شد.

هضیبی در ۱۹۷۴ درگذشت و با وجود اختلافات درونی، عمر تلمسانی که رهبر و مظهر جناح میانه‌رو و مورد توجه «انور سادات» بود، به عنوان مرشد عام برگزیده شد. سادات، در ۱۹۷۱ به قدرت رسید و درهای زندان را گشود و فعالیت اخوان المسلمین علنی شد. در

این دوره تحولی در عقاید سیاسی اخوان پدید آمد و اخوان پذیرفت که با شرایطی از سادات حمایت کند. فعالیت سیاسی و دینی اخوان و روابط آن با حکومت مصر از زمان سادات تا امروز و هم‌چنین نقش سیاسی و اجتماعی اخوان در کشورهای اسلامی فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است.<sup>۱۶</sup>

اما اکنون که شاهد بیداری امت اسلامی هستیم و مصر نیز آستان تحولات بزرگی است، نقش اخوان المسلمین در بیداری مردم تا چه اندازه است؟ آیا اخوان المسلمین می‌تواند حکومت اسلامی تشکیل دهد یا نه؟ آیا می‌تواند از منحرف شدن این بیداری و مصادره انقلاب جلوگیری کند و آن را به هدف برساند؟ بخش اهداف و اندیشه و نقش اخوان المسلمین در حوادث اخیر انشاء الله در مقاله بعدی آورده می‌شود.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. موقتی، احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱، پنجم، ص ۱۱۰.
۲. حسینی، اسحاق موسی، اخوان المسلمین بزرگترین حرکت اسلامی معاصر، ترجمه خسروشاهی، سید هادی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵، سوم، ص ۹.
۳. همان، اخوان المسلمین از آغاز تا امروز، ص ۳۸ تا ۳۴.
۴. همان، اخوان المسلمین، بزرگ‌ترین حرکت اسلامی معاصر، ص ۵۶.
۵. میشل، ریچارد، تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز، ترجمه خسروشاهی، سید هادی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۷، دوم، ص ۹۰-۹۴.
۶. کمال حاج‌سیدجوادی، اخوانا المسلمین مصر در امتحان تاریخ، ص ۱۴ به نقل از: جنبش‌ها و نهضت‌های سیاسی اسلام معاصر، صص ۹۳ و ۹۲.
۷. البنا، حسن، خاطرات زندگی حسن البنا، ترجمه ایرج کرمانی، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی، بی‌جا، ۱۳۶۷، دوم، ص ۹۹ و ۹۸.
۸. همان، ص ۱۰۰.
۹. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷، چاپ دوم، ج ۷، مدخل اخوان المسلمین، ص ۲۷۱.
۱۰. همان، ص ۲۷۵.
۱۱. تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز، ص ۱۰۴ و ۱۰۳.
۱۲. همان.
۱۳. همان.
۱۴. الدعوه، ش ۶۱، ۱۵ آوریل ۱۹۵۲، نقل از: اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، ص ۴۵.
۱۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۲۷۲.
۱۶. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۲۷۳.